

# رؤياها

كارل گوستاو يونگ

مترجم

دكتور ابوالقاسم اسماعيل پور

## فهرست

---

- اشاره‌ی سروی‌راستار..... ۹
- بخش اول (رؤیاها و روان‌کاوی)..... ۱۱
- تحلیل رؤیا ..... ۱۳
- درباره‌ی ویژگی رؤیاهای مربوط به اعداد ..... ۲۷
- بخش دوم (رؤیاها و نیروی روانی)..... ۳۹
- جنبه‌های کلی روان‌شناسی رؤیا ..... ۴۱
- درباره‌ی سرشت رؤیاها ..... ۹۹
- بخش سوم (کاربرد عملی تحلیل رؤیا) ..... ۱۲۱
- کاربرد عملی تحلیل رؤیا..... ۱۲۳
- شرح اصطلاحات روان‌کاوی..... ۱۵۳
- واژه‌نامه‌ی فارسی - انگلیسی..... ۱۵۷
- واژه‌نامه‌ی انگلیسی - فارسی..... ۱۶۵

## تحلیل رؤیا<sup>۱</sup> .....

زیگموند فروید در ۱۹۰۰، کتابی مفصل درباره‌ی تحلیل رؤیا (تعبیر خواب) در وین منتشر کرد. در این جانتایج اصولی بازکاوی‌های او را می‌آوریم. رؤیا، غیر از آن که آشفتگی تداعی‌های اتفاقی و بی‌معنی است که معمولاً بدان اعتقاد دارند، یا سوای آن که فقط در نتیجه‌ی احساسات جسمانی در طول خواب است چنان‌که بسیاری از نویسندگان می‌پندارند، محصول خود به خودی و معنی‌دار کنش روانی از یک تحلیل نظام‌مند است و مانند دیگر کارکردهای روانی حساس است. احساسات سازوار<sup>۲</sup> که در طول خواب به انسان دست می‌دهد، علت اصلی رؤیا نیست؛ آن‌ها نقشی ثانوی دارند و تنها عناصر یا موادی را بر روی چیزی که روان کارکرد دارد، رقم می‌زنند. بنا به نظر فروید، رؤیا مانند هر فرآورده‌ی پیچیده‌ی روانی، عبارت است از یک آفرینش یا عملی که انگیزه‌ها و رشته‌ی تداعی‌های پیشین خودش را دارد. رؤیا همانند هر کنش مفروض، عبارت است از بازده فرایندی منطقی، از رقابت بین تمایلات گوناگون و پیروزی یک میل نسبت به امیال دیگر. رؤیاپردازی نیز مانند همه‌ی کارهای دیگر ما معنی‌دار است.

---

۱. در اصل به فرانسه نوشته شده. ترجمه‌ی فیلیپ میریه (Philip Mairet) از Année (L'Analyse, des rêves) psychologique (Paris), XV (1909), 160-67 بازبینی توسط ر.ف. هال. - ویراستاران.

ممکن است تصور شود که همه‌ی واقعیات تجربی در راستای این نظریه نیست، چون تأثیر عدم تجانس و ابهامی که رؤیاها بر ما می‌گذارند، آشکار است. فروید این مرحله از تصاویر مبهم را «درون‌ی آشکار»<sup>۱</sup> رؤیا می‌نامد؛ نمایی که او و رای آن، در جست‌وجوی چیزی ضروری مانند اندیشه - رؤیا یا «درون‌ی پنهان»<sup>۲</sup> است. ممکن است پرسید که فروید به چه دلیل فکر می‌کند که رؤیا خودش تنها نمای عمارتی بزرگ و گسترده، یا واقعاً چیزی معنی‌دار است. گمانه‌زنی او بر پایه‌ی باور یا عقیده‌ای پیشین<sup>۳</sup> استوار نیست، بلکه صرفاً بر پایه‌ی تجربه‌گرایی است. مثلاً تجربه‌ی مشترکی که می‌گوید هیچ حقیقت روانی (یا جسمانی) تصادفی نیست. پس باید سلسله علت‌های خودش را داشته باشد و همواره محصولی از ترکیب پیچیده‌ی پدیده‌ها باشد؛ زیرا هر عنصر ذهنی زنده، منتج از حالات درونی روانی است و از دیدگاه نظری باید تحلیل‌پذیر باشد. فروید همان اصلی را برای رؤیا به کار می‌گیرد که ما همواره به طور غریزی به هنگام جست‌وجوی علل کنش‌های انسان، از آن بهره می‌جوییم.

او از خودش فقط می‌پرسد: چرا این شخص بخصوص، این چیز بخصوص را در رؤیا می‌بیند؟ او باید دلایل خاص خود را داشته باشد، وگرنه شکافی در قانون علیت پدید می‌آید. رؤیای یک کودک با رؤیای بزرگسال تفاوت دارد، درست مثل این که رؤیای یک شخص تحصیل‌کرده با رؤیای یک بی‌سواد از گونه‌ای دیگر است. چیزی فردی در رؤیا وجود دارد که در راستای سرشت روان‌شناسانه‌ی آن موضوع قرار دارد. این سرشت روان‌شناسانه دربردارنده‌ی چه چیزی است؟ خود به خود می‌گوییم که نتیجه‌ی گذشته‌ی روانی ماست. حالت ذهنی کنونی ما، به تاریخچه‌ی زندگی ما بستگی دارد. در گذشته‌ی هر شخص عناصری از ارزش‌های متفاوت

وجود دارد که «پیکربندی»<sup>۱</sup> روانی را مشخص می‌کند. حوادثی که هیچ‌گونه احساسات نیرومندی در ما بر نمی‌انگیزند، تأثیر کمی بر اندیشه‌ها یا کنش‌هایمان دارند، در حالی که حوادثی که واکنش‌های حسی نیرومندی به وجود می‌آورند، برای تحول روانی بعدی ما اهمیت زیادی دارند. این خاطرات بالحن حسی قوی، مجموعه‌ای از تداعی معانی را شکل می‌بخشند که نه تنها کم دوام نیستند، بلکه بسیار نیرومندند و چون حلقه‌های زنجیر به هم پیوسته‌اند. موضوعی که من با علاقه‌ی کم‌تری بدان می‌نگرم، مستلزم تداعی معانی کم‌تری است و زود از افق فکری‌ام دور می‌شود. برعکس، موضوعی که با علاقه‌ی بیش‌تری بدان می‌نگرم، تداعی معانی بی‌شماری در من پدید می‌آورد و مدت‌ها ذهن مرا مشغول می‌کند. هر احساسی کمابیش مجموعه‌ای گسترده از تداعی معانی را به وجود می‌آورد که من آن‌ها را «مجموعه عقاید حس‌پذیر»<sup>۲</sup> نامیده‌ام. در بررسی یک مورد تاریخ فردی، همیشه در می‌یابیم که این مجموعه از قوی‌ترین نیروی «پیکربندی» استفاده می‌کند، و از آن می‌توان نتیجه گرفت که در هر تحلیل، از آغاز با آن مواجه می‌شویم این مجموعه همچون اجزای اصلی سرشت روان‌شناختی در هر ساختار روانی ظاهر می‌شوند. مثلاً در یک رؤیا، ما با اجزای حسی مواجه می‌شویم، زیرا درک این نکته چه بسا آسان است که همه‌ی فرآورده‌های کنش روانی پیش از هر چیز به قوی‌ترین تأثیرات «پیکربندی» وابسته است. برای دریافت عقده‌ای که شخصیتی چون گرشن<sup>۳</sup> در فاست<sup>۳</sup> گوته داراست، مجبور نیستیم راه دور برویم، آن‌جا که او می‌خواند:

۱. constellation: صورت فلکی، برج یا پیکربندی.

2. feeling - toned complex of ideas 3. Gretchen

1. manifest content 2. latent content 3. a priori idea